

بودن آن بره-خدا بر تخت در شهر

خواندن متون مقدس: مکاشفه ۴: ۲-۳؛ ۲۲: ۱-۵؛ ۲۳: ۲۱؛ حزقیال ۱: ۲۲، ۲۶-۲۸

۱. آن بره-خدا، بر تخت در شهر است – مکاشفه ۴: ۲-۳؛ ۲۲: ۱-۵؛ ۲۳: ۲۱

آ. «تخت خدا و بره» نشان می‌دهد که یک تخت [تخت سلطنت؛ عرش] برای خدا و بره وجود دارد، این یعنی خدا و بره یک هستند – بره-خدا، خدای بازخریدکننده، خدا، آن بازخریدکننده – ۲۲: ۱؛ ۴: ۲-۳.

ب. در ابدیت، همان خدا که بر تخت نشسته، خدای بازخریدکننده ماست، که از تخت او نهر آب زنده برای تأمین و رضایت ما جاری است.

پ. این نشان می‌دهد چگونه خدای سه‌یکتا – خدا، بره و روح، که با آب حیات نمادین شده است – خود را در بازخریدشدگانش تحت سروری خود (که در اقتدار تخت تلویحاً به آن اشاره شده است) توزیع می‌کند.

۲. تخت، مرکز زندگی مسیحی ما است:

آ. در زندگی روزانه ما، در زندگی خانوادگی ما، در زندگی زنشویی ما، در زندگی کاری ما، و در زندگی کلیسایی ما، مرکز باید تخت خدا باشد؛ همه چیز باید تابع سروری او باشد.

ب. هر روز صبح پس از برخاستن، باید بگوییم: «خداوند، شکر برای روز جدیدی برای من تا تو را به عنوان خداوندم برگیرم. من خود را برای کل روز تحت سروری تو قرار می‌دهم. خداوند، تخت خود را در زندگی من برپا کن. تخت خود را در مرکز وجودم برپا کن. خداوند، کل روز مرا با زندگی روزانه‌ام تحت تخت خودت بیاور»؛ اگر هر روز صبح چنین دعایی را به خدای سه‌یکتا تقدیم کنیم، از آن لحظه، آب زنده در درون ما جاری خواهد بود.

پ. در تجربه ما، هرگاه خود را تابع خدای سه‌یکتا کرده، او را به عنوان سر خود بر می‌گیریم، از جریانی در درونمان مسرت می‌بریم؛ نهر با خدا که قصد کرد، با بره که بازخرید کرد، و با روح که اکنون روح شامل تمام، فرآیندشده و حیات‌بخش است، جاری می‌شود.

ت. تحت سروری او، ما از جریان حیات با تأمین حیات و راه حیات مسرت می‌بریم. در جریان حیات، ما به او خدمت می‌کنیم، او را می‌بینیم، و با او سلطنت می‌کنیم – ۲۲: ۲-۵.

۳. حزقیال ۱ آشکار می‌کند که بالاترین نقطه در تجربه روحانی ما، داشتن آسمانی صاف با تخت خدا بر فراز آن است. رسیدن به این نقطه به این معناست که در همه چیز به خدا اجازه می‌دهیم که برتری داشته باشد و کاملاً تسلیم اقتدار و اداره او هستیم – آ. ۲۲، ۲۶:

آ. آسمان روحانی بالای سر آن موجودات زنده، بلور شفاف است، مثل فلک گسترده، چون بلور مهیب است؛ علاوه بر این، این آسمان در حال گسترش است و مانند بلور، پایدار و تغییرناپذیر می‌باشد – آ. ۲۲.

ب. در چنین وضعیتی، هیچ چیز بین ما و خدا و هیچ چیز بین ما و یکدیگر نیست؛ ما با خداوند و با یکدیگر، مشارکتی کامل و شفاف داریم.

پ. این مستلزم حفظ وجدانی خالص و بدون رنجش نسبت به خدا و انسان‌ها است؛ داستان آسمان ما، داستان وجدان ماست – اعمال ۲۴: ۱۶.

ت. تخت، حضور حاکم مسیح است:

۱. حضور خداوند، همیشه با تخت اوست؛ تخت خداوند، هم در آسمان سوم و هم در روح ما است – مکاشفه ۴: ۲-۳؛ عبرانیان ۴: ۱۶؛ ر. ک. ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲:

(آ) همان مسیح که بر تخت در آسمان نشسته است (رومیان ۸: ۳۴) اکنون در ما نیز

هست (آ. ۱۰)، یعنی در روح ما (۲ تیموتائوس ۴: ۲۲)، جایی که سکونتگاه خداست.

(ب) در بیت‌ئیل، خانه خدا، سکونتگاه خدا، که دروازه آسمان است، مسیح، آن نردبان است که زمین را به آسمان می‌پیوندد و آسمان را به زمین می‌آورد - پیدایش ۲۸: ۱۲-۱۷؛ یوحنا ۱: ۵۱.

(پ) از آنجایی که امروز روح ما محل سکونت خداست، اکنون دروازه آسمان است، جایی که مسیح، آن نردبان است که ما، مردم روی زمین، را به آسمان می‌پیوندد و آسمان را نزد ما می‌آورد.

(ت) از این رو، هرگاه به روح خود می‌چرخیم، از دروازه آسمان وارد می‌شویم و از طریق مسیح به عنوان نردبان آسمانی، تخت فیض در آسمان را لمس می‌کنیم.

۲. تخت بر فراز فلک شفاف نشان می‌دهد که هرگاه در زندگی مسیحی و زندگی کلیسایی خود، آسمانی صاف و شفاف داشته باشیم، تحت حکمرانی تخت خواهیم بود؛ اقتدار در کلیسا، آن تخت بالای آسمان صاف است.

۳. تخت نه تنها برای سلطنت خدا بر ماست، بلکه برای خداست که مقصود جاودانش را به انجام برساند. اگر ما در زندگی روحانی خود دارای تخت باشیم، خدا نه تنها بر ما حکمرانی خواهد کرد، بلکه مقصودش را نیز در ما، با ما، و از طریق ما برآورده خواهد کرد - رومیان ۵: ۱۷، ۲۱؛ ر.ک. متی ۲۸: ۱۸-۲۰.

۴. تخت ظاهری شبیه سنگ یاقوت کبود دارد؛ سنگ یاقوت کبود، که به رنگ آبی است، نشانگر وضعیت، موقعیت، و فضای آسمانی حضور حاکم مسیح است - خروج ۲۴: ۱۰.

۴. حزقیال ۱ آشکار می‌کند که آن که بر تخت نشسته است، شبیه یک انسان است، ولی ظاهر جلال یهوه را دارد، که نشان می‌دهد آن که بر تخت نشسته، هم خدا و هم انسان است. این عیسی مسیح است، آن خدا-انسان، آمیختن خدا و انسان - آ.آ. ۲۶، ۲۸:

آ. عیسی مسیح، خدای کامل بود، و مجسم شد تا یک انسان باشد؛ او با داشتن طبیعت انسان، به عنوان یک انسان زیست، مرد، رستخیز کرد، و صعود نمود، و اکنون به عنوان آن که بر تخت است، او هنوز پسر انسان است - یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ ۶: ۶۲؛ اعمال ۷: ۵۶، ۵۹-۶۰.

ب. از این رو، از زمان صعود خداوند عیسی، یک انسان بر تخت بوده است؛ در هزاره و در آسمان نو و زمین نو تا ابد، هنوز یک انسان بر تخت خواهد بود - متی ۱۹: ۲۸؛ مکاشفه ۲۲: ۱، ۳.

پ. قصد رازگونه خدا در رابطه‌اش با انسان، آمیختن خود با انسان است که بدینگونه با انسان یکسان شود و انسان را در حیات، در طبیعت، و در ابراز، ولی نه در خدایی، مثل خود کند؛ انسان به صورت خدا آفریده شد تا خدا را ابراز کرده و از جانب خدا حکمرانی کند - پیدایش ۱: ۲۶-۲۸؛ ر.ک. اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۴:

۱. آن که بر تخت است و آن چهار موجود زنده هر دو ظاهری شبیه به یک انسان دارند، که نشان می‌دهد آن چهار موجود زنده بر روی زمین، ابراز آن که بر تخت است، هستند. این ابراز، ظاهر شدن خدا در انسانیت است - حزقیال ۱: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۶.

۲. خدا در آسمان می‌خواهد با نهادن خود در انسان، انسان را بر روی زمین برای ابراز خود [خدا] به دست آورد؛ علاوه بر این، قصد خدا این است که بر انسان کار کند تا انسان بر تخت [سلطنت] باشد - افسسیان ۳: ۱۶-۲۱؛ مکاشفه ۳: ۲۱؛ ۵: ۱۰؛ ۲۰: ۴؛ ۲۲: ۵؛ متی ۱۹: ۲۸.

۳. خداوند عیسی به عنوان پیشگام، پیشرو، راه را برای ورود به جلال و نشستن بر تخت باز کرد، و ما، برادران بسیار او، اکنون او را دنبال می‌کنیم - عبرانیان ۲: ۶-۱۲؛ مکاشفه ۳: ۲۱؛ ۲۲: ۵.

۵. حزقیال ۱ می‌گوید که ظاهر آن انسان بر تخت دو جنبه دارد: او از کمر به بالا، ظاهری شبیه گه‌ربا دارد، و او از کمر به پایین، شبیه آتش است - آ. ۲۷:

آ. کهربا، فلزی درخشان است، مخلوطی از طلا و نقره؛ طلا نشانگر طبیعت خداست، و نقره نشانگر بازخرید است؛ از این رو، کهربا، که ترکیبی از عناصر طلا و نقره است، نشانگر «بره-خدا»، خدای بازخریدکننده است - آ. ۴.

ب. قسمت بالای بدن انسان، از کمر تا سر او، بخش احساسات و حس است که نشانگر طبیعت و فطرت اوست؛ خداوند عیسی بر تخت، طبق طبیعت و فطرت خود، ظاهری شبیه کهریبا دارد که نشانگر خدای بازخریدکننده است.

پ. قسمت پایین بدن انسان، برای حرکت است؛ ظاهر آتش از کمر به پایین، نشانگر ظاهر خداوند در حرکتش با قدرت سوزان و تقدیس کننده خداست.

ت. وقتی خداوند نزد ما می آید، به عنوان آتش می آید تا روشن کند، جستجو کند، و بسوزاند؛ سپس از طریق آتش، او برای ما آن کهریبا درخشان می شود، و ما از ابراز درخشان خدای بازخریدکننده پر می شویم.

ث. پس از سوزانده و خارج شدن تمام چیزهای منفی از ما توسط خداوند به عنوان آتش فروبرنده [سوزاننده] (عبرانیان ۱۲: ۲۹)، آنچه در ما باقی می ماند، کهریبا، خدای بازخریدکننده است.

۶. حزقیال ۱ می گوید که یک رنگین کمان به عنوان روشنائی گرداگرد آن انسان که بر تخت نشسته است وجود دارد، که نشانگر شوکت و جلال گرداگرد خداوند بر تخت است - آ. ۲۸؛ مکاشفه ۳: ۴

آ. در زمان نوح، رنگین کمان در ابر نشانه ای از امین بودن خدا در حفظ عهدش با انسان و هر موجود زنده بود، که نشان می داد که او دیگر هرگز آدمیزاد را با سیل نابود نخواهد کرد - پیدایش ۹: ۱۳.

ب. رنگین کمان را می توان محصولی از سه رنگ اصلی - قرمز، زرد، و آبی - در نظر گرفت: قرمز، رنگ آتش، به قدوسیت خدا اشاره دارد؛ زرد، رنگ کهریبا، به جلال خدا اشاره دارد؛ و آبی، رنگ تخت یاقوت کبود، نشانگر عدالت خداست - مزامیر ۸۹: ۱۴:

۱. عدالت، قدوسیت، و جلال خدا، سه صفت الهی هستند که گناهکاران را از خدا دور نگه می دارند - پیدایش ۳: ۲۴.

۲. با این حال، مسیح آمد، بر صلیب مرد تا الزامات عدالت، قدوسیت، و جلال خدا را برآورده کند، و رستاخیز کرد، و او اکنون عدالت، قدوسیت، و جلال ما است - ۱ قرنتیان ۱: ۳۰.

۳. از آنجا که ما، ایمانداران، اکنون در مسیح هستیم، در نظر خدا، حامل ظاهر مسیح به عنوان عدالت، قدوسیت، و جلال می باشیم. این ظاهر رنگین کمان است به عنوان شهادتی از امین بودن خدا در نجات و رهایی ما، افراد سقوط کرده، از داوری او بر گناهکاران.

۴. در اورشلیم نو، شهری که پایه های آن ظاهری شبیه رنگین کمان دارد (مکاشفه ۲۱: ۱۹-۲۰)، ما، مجموع نجات یافتگان، یک رنگین کمان خواهیم بود که درخشندگی عدالت، قدوسیت، و جلال خدا را بازتاب کرده، برای همیشه شهادت می دهد که خدا، عادل و امین است.

۵. همانطور که در حزقیال ۱ به تصویر کشیده شده است، زندگی مسیحی و زندگی کلیسایی، در چنین رنگین کمائی تکمیل خواهد شد. آنگاه برنامه جاودان خدا به انجام خواهد رسید.